

## آثار توکل در آئینه قرآن و روایات

محمد کمیل مهدی<sup>۱</sup>

### چکیده:

توکل بر خدا یکی از ارکان ایمان و لازمه ی توحید افعالی می باشد. توکل انسان بر خداوند بر پایه معرفت به وحدانیت خداوند است. زیرا اگر انسان، خداوند را صاحب اختیار و کسی که هستی اش در دست اوست بشناسد دیگر نیازی نمی بیند به دیگران تکیه کند و دست نیاز به غیر از خدا دراز کند اگر باورهای قلبی انسان به آن حد برسد که دریابد خدا بهترین تکیه گاه و وکیل است و اوست که جامع اوصاف وکیل خوب است سبب می شود که به ضعف و عجز و محتاج بودن غیر از خدا پی ببرد و به این باور می رسد که همه چیزها هرچه دارند از خدا است، در این حالت است که بر کسی جز او دل نمی بندد و فقط بر او تکیه می کند و بس. آشنایی با مفهوم قرآنی توکل، توهمات و تخیلات بی جا و بهره بردن از آثار چشم گیر توکل است.

وقتی انسان از همه چیز و هر کس ناامید و مأیوس می شود و دست نیازش را به سوی واجب الوجود دراز کند و بداند که مخلوقات هم هرچه دارند از این معبود یگانه دارند و اگر او نخواهد اثر در اسباب پدید نمی آید به معنی حقیقت توکل دست یافته است و در این حالت می تواند آثار توکل را در زندگی خود مشاهده کند که از مهم ترین آن ها عزت و بی نیازی از خلق است. احساس سربلندی و پیروزی در برابر مشکلات را در خود مشاهده می کند و آرامش و اطمینان را با مراتب عالی به دست خواهد آورد.

**کلیدواژه ها:** قرآن، حدیث، توکل، دنیوی، اخروی، آثار.

آثار توکل در آئینه قرآن و روایات

<sup>۱</sup> دانش پژوه مقطع ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی اصفهان

## مقدمه

شکی نیست که همه‌ی طالبان کمال و سعادت‌مندان برای رسیدن به سعادت راهی جز تزکیه و کسب مکارم و فضائل و خودداری از رذائل اخلاقی ندارند و توکل از نظر اهل دل، صفت و فضیلتی بالا است که قرآن شریف بارها و بارها به آن امر کرده است و علمای علم اخلاق نیز به آن بسیار پرداخته اند و این صفت وقتی به کار می‌آید که انسان در بن بست واقع شده است و همه‌ی اسبابی را هم که مربوط به او بوده است فراهم کرده باشد. متوکل در مقام توکل با مسبب‌الاسباب پیوند می‌خورد و با چنین پیوندی دیگر جای نگرانی باقی نمی‌ماند تا به هدف کمال خودش برسد. در این تحقیق سعی شده که به تعریف و معنا و مفهوم توکل و ارزش ویژه‌ای که دارد اشاره شود. امید است در این راستا اهمیت توکل و اعتماد به پروردگار نمودی جدی و تأثیرگذار داشته باشد و تمام انسان‌ها متوجه این صفت اخلاقی بسیار مهم در زندگی‌ها باشد که فقط با یاری و توجه به معبود حقیقی می‌توان همه مشکلات و سختی‌ها را پشت سر گذاشت.

### معنای لغوی

توکل: از ریشه وکل (توکل) وکیل شد، نماینده شد، وکالت را پذیرفت و قبول کرد «تَوَكَّلَ وَ اتَّكَلَّ» علی الله: به خدا توکل کرد. کار خود را به خدا سپرد. بندر ریگی، فرهنگ جدید عربی، فارسی، (ترجمه منجدالطلاب)، ج ۱، ص ۶۹۱

توکل: قبول وکالت، اعتماد. قرشی، قاموس قرآن، ص ۲۴۰.

توکل: راغب گوید: توکل به دو صورت است «تَوَكَّلْتُ لِفُلَانٍ» یعنی قبول وکالت از او کردم و

«تَوَكَّلْتُ عَلَيْهِ» یعنی به او اعتماد کردم و امیدوار شدم. در نتیجه توکل: چون با علی متعدی شود به معنی اعتماد و تفویض امر باشد. غلامرضا خسروی، ترجمه مفردات الفاظ القرآن (راغب اصفهانی)، «عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلَيْتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» سوره یوسف (۱۲)، آیه ۶۷ بر خدا اعتماد و تفویض امر کردم. تفویض کنندگان کار خود را به او واگذارند. «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» سوره شعرا (۲۶)، آیه ۲۱۷ کارهایت را به عزیز رحیم واگذار کن که توانا و مهربان است. دستی، معارف و معاریف، ص ۵۵۶

توکل: ۱- کار بازگذاشتن، کار با کسی افکندن و به دیگری اعتماد کردن ۲- کار خود به خدا حواله کردن

و به امید خدا بودن ۳- سپردگی و توکل کردن یعنی خود را به خدا حواله کردن. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۸۲۴

### معنای اصطلاحی

توکل: از ماده ی وکالت است وکیل کسی است که کار را به او واگذارند و بر او اعتماد کنند. از اسمای حسنی توکل الهی است که ۲۴ مرتبه در قرآن ذکر شده است و معنی عمومی آن کارگذار، نماینده ای که عهده دار انجام دادن کارهای

کسی باشد و اعمال را طوری تنظیم کند که به وسیله آن عمل های منافع را جلب و زیان را از موکل خود دفع کند. شعرانی، نثر طوبی یا دایره المعارف قرآن مجید، ج ۲، ص ۵۷۶.

در حقیقت توکل واگذاری کار به دیگری و انتخاب او به وکالت است ولی مفهوم توکل این نیست که انسان دست از تلاش و کوشش بردارد بلکه مفهوم آن این است که هرگاه نهایت تلاش و کوشش خود را به کار برد و نتوانست مشکل را حل کند وحشتی به خود راه ندهد و با اتکاء به لطف پروردگار و استمداد از ذات پاک و قدرت بی پایان او، ایستادگی به خرج دهد و به جهاد پی گیر خود همچنان ادامه دهد. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۰۹.

واژه شناسی توکل در روایات:

«جبرئیل در پاسخ به سؤال پیامبر - صلی الله علیه و آله - که از او درباره توکل بر خدای متعال سؤال فرمود گفت: «سأل النبى (صلى الله عليه و آله و سلم عن جبرئيل) ما التوكل على الله عز وجل؟ فقال العلم بأن المخلوق لا يضر ولا ينفع و لا يعطى و لا يمنع و استعمال اليأس من الخلق فإذا كان العبد كذلك لم يعمل لأحد سوى الله ولم يخف سوى الله ولم يطمع فى أحد سوى الله فهذا هو التوكل»

مجلسی، عین الحیات، ص ۲۷۳

دانستن این مطلب که مخلوق نه زبانی می رساند و نه سود. نه می دهد و نه جلوگیری می کند و چشم امید برکندن از خلق هرگاه بنده چنین باشد برای احدی جز خدا کار نمی کند و امید و بیم اش کسی جز خدا نیست و چشم به هیچ کس جز خداوند ندارد این است توکل».

«وسئل الرضا - عليه السلام - عن حدِّ التَّوَكُّلِ: أَنْ لَا تَخَافُ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۸. از امام رضا - علیه السلام - پرسیدند از معنی توکل: فرمود توکل این است که چون دانستی که خدا با تو است از غیر او نترسی.»

معنای رضا به قضا آن است که بعد از اینکه توکل بر خدا کرده باشی در هر بایی و آنچه موافق فرموده خداست عمل کرده باشی، دیگر آنچه واقع می شود از عافیت و بلا و شدت و رخا، بدانند که البته خیر در آن چیزی است که واقع شده است زیرا که این امر به تقدیر الهی واقع شده حق تعالی قادر بر رفع این امر بوده و خدا ظالم نیست که بخواهد ظلم کند و بخیل نیست که بخواهد خیری به او رسد و نادان نیست که مصلحت او را نداند. و عاجز نیست که آنچه خیر اوست به او نتواند رسانید پس کمال انسان این است که بدانند خداوند مستجمع صفات کمالیه است هرچه از جانب او به بنده اش می رسد مصلحت اوست و باید از صمیم قلب راضی باشد و جزع و شکایت نکند و بدانند که عین خیر و صلاح اوست. ذبیح الله محلاتی، مجالس الواعظین، ج ۲، ص ۱۳۵.

از امام علی - علیه السلام - : «التَّوَكُّلُ التَّبَرُّي مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ وَانتظارُ ما يَأْتِي بِهِ الْقَدَرُ؛

توکل بری شدن از نیرو و توانایی (خود) است و چشم به راه مقدرات بودن و فرمودند: «حَسْبُكَ مِنْ تَوَكُّلِكَ أَنْ لَا تَرَى لِرِزْقِكَ مُجْرِيًا إِلَّا اللَّهَ سُبْحَانَهُ؛ از توکلت همین بس که برای خود روزی رسانی جز خداوند سبحان نبینی.» ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ص ۷۰۵۶.

از امام صادق - علیه السلام - می فرمایند: «إِنَّ الْغِنَى وَالْعَزْ بِحَوْلَانِ فَإِذَا ظَفَرَ بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطْنَا؛ محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۶-۱. عزت و بی نیازی در حال گردش اند وقتی به موضعی برسند که در آن توکل باشد اقامت می کنند.»

از امام علی - علیه السلام - می فرمایند : «التَّوَكُّلُ خَيْرٌ عِمَادٍ؛ عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۹۸. توکل برخدا بهترین ستونی است که بنای هرچه برآن گذاشته شود خراب و منهدم نگردد.»

امام علی - علیه السلام - می فرمایند: «التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ نِجَاةٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ حِرْزٌ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹-۷۸، ص ۸۰ توکل برخدا مایه نجات از هر بدی و محفوظ بودن از هر دشمنی است.»

از امام صادق - علیه السلام - : «التَّوَكُّلُ كَأَسِّ مَخْتومٍ بِخْتَامِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَلَا يَشْرِبُ بِهَا وَلَا يَفِضُ خْتَامَهَا إِلَّا مَتَوَكَّلُونَ؛ مصطفوی، مصباح الشریعه، ص ۱۵۲. توکل مانند کاسه ای است که مهر شده بر مهر پروردگار پس نمی آشامند از آن جام و مهر آن را باز نمی کنند مگر آنان که در مرحله ی توکل هستند.»

### آثار توکل

آثار توکل از منظر آیات و روایات

همان گونه که انسان هر عملی که انجام می دهد نتیجه و اثری برای آن عمل در زندگی و حتی در خود فرد ایجاد کرده و برجای خواهد گذاشت توکل نیز آثار و پیامدهایی رابه دنبال دارد که از جمله آنان آثار دنیوی آن است.

### آثار دنیوی توکل

توکل به خداوند متعال آثار مثبت در زندگی دنیوی انسان ها دارد که بدون آن نمی توان به نتیجه ی درست زندگی امیدوار بود که ما در این فصل به برخی از این آثار اشاره خواهیم کرد:

کفایت امور انسان از سوی خداوند در پی توکل به او:

یکی از ثمرات و آثار توکل این است که خداوند سبحان در پی توکل کردن بندگان بر او امور بندگان را کفایت می کند. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۹، ص ۲۷۹. همان طور که در قرآن می فرماید: « وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ »

سوره طلاق(۶۵)، آیه ۳. و کسی که بر خدا توکل کند از نفس و هواهای آن و فرمان هایی که می دهد خود را کنار بکشد و زمام اختیار خویش را به خدا واگذار کند و اراده خواست سبحان را بر اراده و نفس اماره اش ترجیح بدهد به عبارتی دیگر به دین خدا متدین شود و به احکام او عمل کند و به معنای واقعی کلمه مطیع او باشد چنین کسی را خدا کافی و کفیل است و گرفتاری های او برطرف خواهد شد . طباطبایی، المیزان، ترجمه محمداقبر موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۵۲۷.

اینکه خداوند می فرماید فَهَوَ حَسْبُهُ. خدا او را بس است عیش این است که خدای متعال آخرین سبب است که تمامی سبب ها به او منتهی می شود در نتیجه او چیزی را اراده کند به جا می آورد بدون اینکه اراده ی او دگرگونی پذیرد. چون اراده و قدرت دیگری فوق قدرت و اراده ی خدای سبحان نیست تا در عدم تحقق اراده ی خداوند، تأثیرگذار باشد و از محقق شدن آن جلوگیری نماید زیرا خداوند متعال است که می فرماید: « مَا يَدُلُّ الْقَوْلُ لَدَىَّ وَمَا أَنَا بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ » سوره ق(۵۰)، آیه ۲۹. چیزی بین او و خواسته اش حائل نمی گردد.

همچنین می فرماید: « وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ » سوره رعد(۱۳)، آیه ۴۱. و تنها خداست که در جهان فرمان می دهد و هیچ کس بر او و حکمش قادر نیست با قدرتی که دارد می تواند تمام امور بندگان متوکلش را کفایت کند و هر حکمی و کاری را که اراده کند بدون کوچک ترین مانع محقق شود و اما سایر اسباب که انسان ها در رفع حوائج خود به آن متوسل می شوند سببیت خود را از ناحیه ی خدا می گیرند و آن مقدار را مالک اند که او به آن ها داده که همه به اراده ی خداست و کسی که تحت کفایت خداوند قرار بگیرد و خداوند به او وعده ی کفایت بدهد چون خلف وعده در خداوند راه ندارد آن بنده به سعادت و عزت خواهد رسید و هیچ قدرتی نمی تواند او را دلیل نماید. شبر، اخلاق شبر، چاپ ششم، ص ۴۲۴.

روایات متعدد نیز نقش توکل را در کارسازی و کفایت امور انسان بسیار برجسته می داند به عنوان نمونه به چند روایت در این زمینه اشاره می کنیم نبی مکرم اسلام- صلی الله علیه و آله- می فرماید: « مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ مَوْتَهُ وَرِزْقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ » علاءالدین، کنز العمال، ح ۵۶۹۳. « هر که به خدا توکل کند خداوند هرینه ی او را کفایت می کند و از جایی که گمان ندارد به او روزی می رساند»

امیرالمؤمنین علی- علیه السلام- نیز این معنا را مطرح کرده چنین می فرماید: « مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ وَ مَنْ أَسْأَلَهُ أُعْطَاهُ » دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۹۰. « هر کس به او(خداوند) توکل نماید او را کفایت کند و هر کس از او بخواهد می پردازد و عطا می کند» و باز هم حضرت می فرماید: « تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّهُ قَدْ تَكْفَلُ بِكَفَايَةِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْهِ » آمدی، غررالحکم، قم، ح ۴۵۰۴ « به خدای سبحان توکل کن زیرا که او کارسازی و کفایت توکل کنندگان به خود را ضمانت کرده است»

کفایت رزق مادی و معنوی:

با توجه به اینکه یکی از فواید توکل کفایت امور انسان از سوی خداوند است در بین امور و کارهای انسان یکی از عمده ترین کارها رزق و روزی مادی و معنوی انسان است بنابراین درپی توکل بر خدای متعال است که خداوند او را کفایت می کند و از جمله به حکم *يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ* « از جایی که گمان و احتمالش را ندهد رزق مادی و معنوی او را فراهم می آورد.

رزق مادی بدون پیش بینی بنده از طرف خداوند می رسد برای اینکه او قبل از رسیدن به درجه ی بالایی از توکل رزق خود را حاصل و دسترنج خود و اثر اسباب ظاهری می دانست در حالی که مسبب الاسباب خداست و اوست که اسباب را پشت سرهم می چیند و هر طور بخواهد نظام می بخشد و به هریک از آن اسباب بخواهد اجازه ی تأثیر می دهد تأثیری که خود بنده چنان تأثیری برای آن سراغ نداشته و امید چنین اثر را نمی کشید.

طباطبایی، ج ۱۹، ص ۵۲۹.

اما رزق معنوی را که رزق حقیقی هم همان است چون مایه حیات جان انسان است و رزقی است فناپذیر بدون پیش بینی خود او می رساند دلیلش این است که انسان نه از چنین رزقی آگاهی دارد و نه می داند که از چه راهی به او می رسد ولی در سایه ی توکل به خدا و تقوا پیشه کردن تمام امور او کفایت و رزق مادی و معنوی اش تأمین می شود بنابراین خداوند عهده دار بنده ی متوکل خویش است او را از هلاکت بیرون می کشد و روزی می دهد و چنین بنده ای که توکل بر خدا کرده هیچ چیز از کمال و نعمت هایی را که قدرت به دست آوردن آن را در خود می بیند از دست نمی دهد.

در مورد تأمین نعمت روزی انسان در سایه ی توکل بر خدا پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - تعبیر بلند و شیوایی دارد که در جاهای متعدد از تفاسیر گرفته تا کتب روایی نقل شده است که حضرت می فرماید: *«لَوْ تَوَكَّلْتُمْ عَلَى اللَّهِ حَقًّا تَوَكَّلْتُمْ لِرِزْقِكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ تَعْدُو خِصَامًا وَ تَرُوحُ بَطَانًا»* ری شهری، میزان الحکمه، ص ۶۸۶.

اگر چنان که باید به خدا توکل کنید همان گونه که پرنده را روزی می دهد (صبحگاهان با شکم خالی می روند و شامگاهان با شکم پر برمی گردند) شما را نیز روزی می دهد. رازی، تفسیر روح الجنان، ص ۱۰۱.

امام علی - علیه السلام - می فرماید: *« از توکل تو همین بس که رزق و روزی ات را فقط از جانب خدا بدانی»* ری شهری، ج ۱۰، ص ۶۷۶.

کفایت امور در برابر دیگران از حق:

در سوره مبارک توبه؛ قرآن کریم بعد از آنکه اوصافی از پیامبر - صلی الله علیه و آله - را بیان می کند از قبیل اینکه او حریص و علاقه مند به سعادت شماست از ناراحتی شما ناراحت می شود و... خطاب به پیامبر - صلی الله علیه و آله -

چنین می گوید: « فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ »؛ سوره توبه (۹)، آیه ۱۲۹. «اگر آن ها از حق روی بگردانند (نگران نباش) بگو خداوند مرا کفایت می کند که هیچ معبودی جز او نیست بر او توکل کردم و او صاحب عرش بزرگ است»

این آیه ی شریفه می رساند که در جایی که انسان در مقابل افراد لجوج و به دور از منطق قرار می گیرد چون نه تنها سخن حق را نمی پذیرند و دست از دشمنی بر نمی دارند بلکه به پیامبران و خیرخواهان جامعه هم پشت می کنند و به مخالفت ها و سرکشی خود ادامه می دهند باید با اسلحه ی توکل و اعتماد به خداوند اهدافش را دنبال کند و خداوند سبحان هم او را تنها نخواهد گذاشت و امورات و مهمات او را کفایت خواهد کرد. طباطبایی، ج ۹، ص ۵۶۲.

استقامت و پایداری:

یکی از فوائد و آثاری که در پرتو صفت حمیده ی توکل برای انسان های متوکل به وجود می آید استقامت و پایداری است که حاکی از قدرت روحی و پابندی به اهداف و قاطعیت در تصمیم گیری می باشد در پرتو این صفت می توان از توطئه های دشمن و سنگ اندازی هایی که در مسیر ترقی انسان صورت می گیرد نجات پیدا کرد با قاطعیت اهداف را دنبال کرد و برای پیش برد آن با کمال استقامت و پایداری به مجاهده و تلاش پرداخت در این جا به ذکر نمونه از کسانی که در قرآن نام آن ها برده شده است و دارای این صفت الهی بوده آورده می شود. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۹، ص ۲۷۴.

الف) استقامت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در سایه ی توکل:

در آیات اول سوره ی احزاب خداوند متعال پیامبرش را به عدم اطاعت از کافرین و منافقین دستور می دهد که لازمه ی آن استقامت و پایداری در برابر آنان خواهد بود و یکی از عوامل عمده در به دست آوردن این روحیه، توکل بر خداست چون خداوند پیامبر خود را دستور به توکل می دهد تا بتواند در برابر کفار و منافقین قرار گیرد « وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا » سوره احزاب (۳۳)، آیه ۴۸. توکل بر خدا کن و همین بس که خداوند ولی و حافظ انسان می باشد چرا که تحمل آزار و اذیت ها هم به روحیه قوی و اراده ی آهنین نیاز دارد چنان که پیامبر و مؤمنین مثل کوه در برابر آزارهای دشمن ایستادگی و استقامت کردند و سرانجام پیروز شدند دلیل این مقاومت همان توکل و اعتماد بر ذات پاک خداوند بود که به آنان نیرو می بخشید و به پایداری شان می افزود. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۶۷.

آری توکل و اعتماد بر خداوند که همه ی مشکلات در برابر اراده اش سهل و آسان و قدرتش مافوق قدرتهاست به انسان نیرو و روحیه می بخشد و او را در پیش برد اهداف مصمم تر می کند و آن توکل بر خداست که محقق شدنی است که بتواند استقامت و پایداری کرده به هدف نائل گردد گرچه مخاطب پیامبر است ولی دستور عمومی است برای همه ی مؤمنان در همه اعصار.

ب) پایداری نوح- علیه السلام- در سایه ی توکل بر خدا:

دیگر از پیامبرانی که با استقامت تمام در برابر مشرکان و کفار که می خواستند صدای توحیدی او را خفه کنند ایستادگی کرد حضرت نوح- علیه السلام- بود که در قرآن آمده است: « وَأْتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانُ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَدْكَيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ » سوره یونس (۱۰)، آیه ۷۱. ای محمد- صلی الله علیه و آله- داستان نوح را برای مردم تلاوت کن که چگونه تک و تنها با مردم قوم خود سخن گفت و به آنان گفت هر کاری که می توانند با او بکنند و در باب رسالت خود با آن اتمام حجت نمود. طباطبایی، المیزان ج ۱۰، ص ۱۵۰.

نوح به قوم خود و آنانی که مشرک بودند گفت ای قوم اگر زیاد شده است مدت اقامت من در میانتان ( چون نوح نهصدوپنجاه سال) قوم خود را به خدا دعوت می کرد و آزارشان را تحمل می نمود و آنان درصدد هلاکت او شدند- و پند دادن من شما را بر وحدانیت خدا بر شما سنگین می آید پس من تنها بر خداوند توکل کرده ام در رفع کید و نقشه های شما. می توانید اومرا و بزرگان و رؤسای قوم که به گمانتان بر حق اند را بخوانید و از آنان استعانت جوئید تا شاید مرا به ورطه ی هلاکت افکنید نوح گفت: پس آشکارا در هلاکت من سعی کنید به من مهلت ندهید چون من اصلاً در برابر شما هراسی ندارم و توکل بر خدای خود کرده ام و کار خود را به او واگذارده ام. این سخنان حضرت نوح- علیه السلام- دلیل این است که ایشان در مقام توکل ثابت قدم بوده و از جمله معجزات او این بوده است که با توجه به آن که با او جماعتی اندک و ضعیف بودند به آن مشرکین قوم خود داد که شما بر هلاکت من قدرت ندارید و می خواست از این طریق قومش در طریق متابعت درآیند ولی آنان اعراض می کردند. کاشانی، منهج الصادقین، ج ۴، ص ۳۷۸.

به راستی این چه عاملی بود که نوح- علیه السلام- را با مؤمنان اندکی که اطراف او بودند در برابر دشمنان قدرتمند و سرسخت شجاعت و شهامت می بخشید که چنین ایستادگی کند و به این وسیله ضربه ای محکم روانی بر آنان وارد سازد آری این عامل چیزی جز ایمان به خدا و توکل بر ذات پاک او نبود. مکارم شیرازی و دیگران، ج ۸، ص ۳۵۰

بهره مندی از نعمت خداوند در سایه ی توکل بر او:

یکی دیگر از آثار و فوایدی که توکل دارد این است که در پرتو این صفت فاضله انسان می تواند زمینه ی برخورداری از رضایت و نعمت های دنیوی و اخروی خداوند سبحان را فراهم ساخته و از آن بهره مند گردد. رفسنجانی، فرهنگ قرآن ج ۹، ص ۲۷۶

قرآن کریم وقتی از نعمت های الهی خبر می دهد می فرماید: « فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ » سوره شوری، (۴۲)، آیه ۳۶. « آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می کنند بهتر و پایدارتر است » علامه طباطبایی می فرماید: « مراد از ما عندالله ثواب هایی است که خدا برای مؤمنین و متوکلین ذخیره کرده تا در آخرت به عنوان پاداش به ایشان بدهد » طباطبایی، المیزان ج ۱۸، ص ۹۱.



چه نعمتی بالاتر از ثواب و پاداش هایی که برای مؤمنین که توکل می کنند وجود دارد این به خاطر آن است که امید به پاداش الهی برای کسانی است که علاوه بر ایمان توکل نیز داشته باشند و کار خویش را به خدا واگذارند.

برخورداری از فضل و رضایت خداوند:

از آثار توکل بر خدا و فوایدی که عاید شخص توکل کننده می شود بهره مندی از فضل و رحمت خداوند است. همان طور که در بحث استقامت و پایداری که یکی از آثار توکل بود بیان شد ماجرای جنگ احد بود که وقتی لشگر فاتح ابوسفیان به سرعت راه مکه را در پیش گرفته بود در بین راه پشیمان شد که چرا کار مسلمانان را تمام نکردند تصمیم گرفت برگردد ولی پیامبر و مسلمانان در سرزمینی به نام «حمراءالاسد» اردو زدند و این خبر به ابوسفیان رسید و فکر کرد ممکن است نیروی تازه نفس هم به آنان پیوسته است و ممکن است با شکستی سخت مواجه شوند تصمیم گرفتند برگردند به طرف مکه طبرسی، مجمع البیان ج ۵، ص ۵۳۹. و مسلمانان با توکل بر خداوند از این فضل الهی برخوردار شدند که نتیجه ی آن رضایت خداوند بود.

قرآن نتیجه ی عمل مؤمنان را که با ایمان راسخ و توکل به خداوند ابتدا دعوت پیامبر - صلی الله علیه و آله - را لیبیک گفته بودند و بعد هم قرار را بر فرار ترجیح دادند و از نعمت و فضل پروردگار برخوردار شده و بالاتر از آن رضایت و خشنودی خداوند را به دست آورند را چنین بیان می کند «فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَهُ وَاللَّهُ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» «سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۷۴.

به همین جهت آنان از (میدان جنگ) با نعمت و فضل پروردگارشان بازگشتند در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید و از رضای خدا پیروی کردند و خدا دارای فضل و بخشش بزرگی است.

چه نعمت و فضلی بالاتر از این که بدون واردشدن در یک برخورد خطرناک با دشمن، سالم و بدون جنگ و نبردی دوباره، به مدینه مراجعت کردند در حالی که پاداش مجاهدین میدان جنگ به آنان عطا شد و خشنودی خداوند سبحان را کسب نموده و از فرمان او متابعت کردند یاران رسول خدا - صلی الله علیه و آله - گفتند: یار رسول الله: این کاری که ما کردیم جهاد به حساب می آید؟ خداوند متعال هم این آیه ی شریفه را فرستاد و فرمود این متابعت فرمان و رضای من است و ثوابش ثواب جهادگران و سلامت و غنیمت با آن یار و همراه و رضای من حاصل است. رازی، ج ۳، ص ۲۳۲.

عامل پیروزی در مقابله با دشمن:

بدون تردید یکی از عوامل پیروزی و غلبه بر دشمن اعتماد و اتکاء داشتن به خدا و امیدوار بودن به نصرت و یاری اوست به تعبیر دیگر یکی از آثار توکل بر خدا در قرآن کریم، پیروزی در مقابله با دشمنان و سرکشان که در ستیز با حق اند بیان شده است. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۹، ص ۲۷۷.

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» «سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۶۰» اگر خداوند شما را در برابر کسانی که با شما می جنگند یاری کند گرچه شمار آنان بسیار و

امکاناتشان فراوان باشد و نیروی شما به ظاهر اندک باز هم آنان قدرت و چیرگی بر شما نخواهند داشت و اما اگر یاری خود را از شما دریغ ورزد چه کسی به شما کمک خواهد کرد پس باید کسانی که ایمان به خدا دارند فقط بر او توکل نمایند تا از حمایت و نصرت او بهره مند شوند.

نصرت و پیروزی بر دشمنان دین خدا نه به مال و شوکت است و نه به عدد و رقم فقط به خدای سبحان تعلق دارد و با اتکال و توکل بر خداوند به دست می آید که درسوره آل عمران بعد از اینکه خداوند به پیامبرش دستور عفو و گذشت از مسلمین و طلب استغفار برای آنان را می دهد به مشورت و توکل امر می نماید.

یکی از راه های جلب یاری و دستگیری خداوند همین صفت توکل است که در آخر آیه آمده است و اشاره به اینکه مؤمنین به سبب اینکه ایمان به خدا دارند و اینکه او ناصر است و یآوری جز او نیست، باید به او توکل کنند. طباطبایی، همان، ج ۴، ص ۸۷.

آری قدرت او بالاترین قدرت ها است به حمایت و پیروزی هر که اقدام کند هیچ کس نمی تواند بر او پیروز گردد و این چنین همه ی پیروزی ها و سربلندی ها از او سرچشمه می گیرد و اگر او از انسان دستگیری نکند هیچ پناهگاه و یاور دیگری نیست پس باید از او کمک خواست و در سایه ی توکل بر او پیروزی و غلبه بر دشمنان را به دست آورد نصرت الهی منوط به توکل است و همین توکل کافی است ولو فاقد اسباب و غلبه از جهت کمی عده و اسباب باشد نیرو و کثرت عده به شما نفعی نمی رساند. طیب، اطیب البیان، ج ۳، ص ۴۱۲-

در سوره انفال خداوند سبحان پیامبرش را در دستور به صلح و سفارش می دهد البته در صورتی که دشمن روی موافقت نشان بدهد « وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا... » و اگر دشمنان به صلح تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش. و سپس دستور به توکل داده و می فرماید: « وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » سوره انفال (۸)، آیه ۶۱.

و در آیات بعدی نتیجه توکل را کفایت کردن امور از جانب خدا باشد بیان کرده و در ضمن جواب سؤال احتمالی را داده و آن اینکه کسی بپرسد ممکن است تمایل دشمن به صلح و سازش با هدف خدعه و نیرنگ باشد و از این طریق مؤمنین را غافلگیر کرده و در موقع مناسب که در نظر دارند بر آن ها شیبخون بزنند خداوند در جواب فرموده «إِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ...» اینکه ما تو را امر به توکل کردیم برای همین بود که بدانی اگر دشمن بخواهد به این وسیله به تو نیرنگ بزند خدا نگهدار توست و توکل بر خدا و کفایت او امور تو را و نگهداشتن تو از خدعه و نیرنگ دشمن می باشد. نجفی، تفسیر آسان، ج ۶، ص ۱۵۴.

روایات متعدد نیز به نقش توکل در غلبه بر دشمن اشاره دارد از جمله در روایت از امام محمدباقر- علیه السلام- چنین آمده است «وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يُغْلَبُ وَمَنْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ» سبزواری، جامع الاخبار، ص ۳۲۲. «کسی که بر خدا توکل کند مغلوب نمی شود و کسی که به خدا تمسک کند شکست نمی خورد (بلکه پیروزی و غلبه ی بر دشمنان نصیب او خواهد شد)»

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - نیز توکل بر خدا را یگانه عامل پیروزی بر دشمن و محفوظ ماندن از شر او بیان می دارد و می فرماید: «التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ حَزْرٌ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ» مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۷۹. « توکل بر خداوند مایه ی نجات از هر بدی و محفوظ ماندن از هر دشمنی است.»

پیروزی موسی - علیه السلام - و بنی اسرائیل در سایه ی توکل:

در داستان موسی - علیه السلام - و بنی اسرائیل می بینیم که در سایه ی ایمان و توکل بر خدا، بر دشمن غلبه می کنند و از زنجیر اسارت فرعونیان رهایی یافتند. در سوره ی انفال خداوند می فرماید: «... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» «هر کس بر خدا توکل کند پیروز می گردد و خداوند عزیز و حکیم است»

از این آیه ی شریفه استفاده می شود که اگر انسان پس از استفاده و به کارگیری اسباب و عوامل طبیعی خودش را به خدا بسپارد و با اتکاء و توکل به او استقامت و پایداری از خود نشان بدهد خداوند او را در مقابله با دشمن و هم چنین در برابر مشکلات و بحران های زندگی یاری خواهد کرد و ممکن نیست دوستان و مجاهدان راهش و کسانی که به او توکل می کنند را تنها گذارد. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۰۳.

در سوره مائده هم آمده «... ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

سوره مائده (۵) آیه ۲۳ « شما وارد دروازه ی شهر آنان شوید هنگامی که وارد شوید پیروز خواهید شد و بر خدا

توکل کنید اگر ایمان دارید» این آیه خطاب به حضرت موسی - علیه السلام - است که دو نفر از مردان با ایمان

دارای روحیه ی توکل گفتند به بنی اسرائیل که از این راه وارد شوند تا پیروز گردند که برای غلبه و پیروزی بر

دشمن به توکل دستور داده شده است.

یگانه عامل پیروزی بر سختی ها که از طرف معاندین و سرکشان فراروی انسان قرار می گیرد توکل معرفی شده یعنی اگر ایمان به خدا و توکل بر او داشته باشید می توانید از میدان های نبرد نظامی و فکری و فرهنگی غالب و پیروز بیرون آمده و دشمنان دین را برای همیشه مخدول و منکوب نمایید. شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۰۳. علامه طباطبایی در ذیل این آیه در سوره انفال می فرماید: « کسی که در امور خود بر خدا توکل کند خداوند کفایتش می کند چون عزیز است و هر کس از او یاری جوید یاری اش کرده و بر دشمنان غالب می گرداند چون او حکیم است و در نهادن هر امری در جای خود به خطا نمی رود. طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۱۳۰.

دفع ضرر شیطان در سایه ی توکل:

بدون شک شیطان دشمن قسم خورده ی انسانهاست و از هر راهی سعی در ضربه زدن به انسان را دارد تا انسان ها را از مسیر عبودیت خارج سازد و قرآن تنها راه جلوگیری از این گمراه شدن را پناه بردن و توکل بر خدا معرفی کرده است. خداوند سبحان می فرماید: « إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ » سوره مجادله (۵۸)، آیه ۱۰: «نجوا از ناحیه شیطان است تا کسانی که ایمان آورده اند اندوهگین شوند ولی هیچ ضرری به ایشان نمی رسد مگر به اذن خدا و مؤمنین باید تنها بر او توکل کنند»

ولی باید بدانند که شیطان جز به اذن پروردگار نمی تواند به مؤمنان زیان برساند چرا که هر مؤثری در عالم هستی تأثیرش به فرمان خداست حتی سوزاندن آتش و برندگی شمشیر که اگر جلیل نهی کند حتی فرمان خلیل را نمی برد پس مؤمنان باید بر او توکل کنند و با روحیه ی توکل و اعتماد بر خدا به خوبی بر تمام مشکلات پیروز شوند و نقشه های پیروان شیطان را نقش بر آب کنند و توطئه هایش را درهم کوبند. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه ، ج ۲۳، ص ۴۳۵.

مقصود از نجوا نجوایی است که در بین منافقین جریان داشته تا از این طریق مسلمانان را اندوهگین سازند تا خیال کنند می خواهند بلایی بر سرشان آورند خداوند فرمود این توطئه ها نمی تواند به شما گزند برساند و این نجوا از ناحیه ی شیطان است پس بر خدا توکل کنید که خداوند کافی است و شما را کفایت خواهد کرد. طباطبایی، المیزان ، ج ۱۹، ص ۳۲۶.

استعاذه و پناه بردن به خدا نوعی توکل بر او و مانع از تسلط شیطان است که مؤمنان غافل از توکل و اتکاء بر خداوند در معرض تسلط شیطان اند و تنها مؤمنان متوکل از سلطه در امان اند. هاشمی رفسنجانی فرهنگ قرآن ، ج ۳، ص ۱۸۵. پناه بردن به خدا و از او خواستار آن شدن که آدمی را از خطر قوای طردکننده ی از حق حفظ کند راهی مناسب است برای ایستادگی در برابر تسلط شیطان بر قلب و قوه ای که می توان در برابر شهوات ایستادگی کرد و فریب شیطان را نخورد، همان توکل بر خداست. مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۶ ص ۱۲۴.

در قرآن آمده است: « فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ \* إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ » سوره نحل (۱۶)، آیات ۹۸-۹۹: « چون به خواندن قرآن می پردازی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر چون شیطان را سلطه بر کسانی که ایمان آورده اند و بر خدای خویش توکل می کنند نیست و خداوند به بندگان اش وعده داده که برای دور کردن شیطان بر ایشان وکیل است» محمدتقی مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۶ ص ۲۶۵. بنابراین میان توکل نکردن بر خداوند و تولای شیطان و عبادت او هیچ واسطه ای نیست زیرا کسی که بر خداوند توکل نکند از اولیاء شیطان خواهد بود زیرا او شیطان را ولی خود قرار داده تا او به دلخواه خود امور او را تدبیر کند و شیطان هرچه کرده او اطاعت کند. طباطبایی، المیزان ، ج ۱۲، ص ۵۲۷.

از آن جا که شیطان دشمن آشکاری است برای انسان ها و در راه اغواء و گمراه کردن انسان ها از هیچ تلاشی فروگذاری نمی کند و سوگند خورده که همه ی انسان ها را گمراه می کند مگر بندگان مخلص و خالص را. در جای دیگری از قرآن می فرماید: « إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا » سوره اسراء (۱۷)، آیه ۶۵ « تو هیچ سلطه ای بر آن بندگان من که به راستی فرمانبردار من باشند بر من اتکال داشته باشند نخواهی داشت چرا که آنان نیک می دانند که وعده ها و بافته های تو دروغ و فریبنده است و به همین جهت فریب تو را نمی خورند همین بس و کافی است که پروردگارت حافظ و نگهبان این بندگان راستین خویش است و آنان را از آفت شرک و فریب شیطان حفظ می کند. حفظ کردن خداوند، بندگان را از شر شیطان در صورتی است که بندگان، مطیع و فرمان بردار او باشند و او را وکیل خود قرار داده و بر او توکل کنند این جا خداوند، بندگان خود را حفظ خواهد کرد. در غیر این صورت شیطان بر آن ها تسلط می یابد جمله ی « وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا » علت عدم سلطه شیطان بر بندگان است و چون صفت حسنه ی توکل در روان آنان رسوخ دارد و خود را فاقد استقلال می داند و در هر لحظه ی حیات و همه ی امورشان خود را در حیطه ی قدرت کبریایی خداوند قرار داده او را ولی خود می داند خداوند نیز آنان را در حیطه ی قدرت و تدبیر ولایت مخصوص خود در می آورد و بندگان مطیع و آنان که بر او توکل می کنند را از قرار گرفتن تحت سلطه شیطان حفظ می کند. محمدحسین همدانی، انوار درخشان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

در قرآن برای حفظ شدن و محفوظ ماندن انسان ها از گمراهی شیطان و دفع ضرر شیطان راه های مختلفی را فراروی انسان ها قرار داده است، که یکی از این همه راه ها، برخوردارگی از نیروی عظیم توکل است که در سایه ی این نیروی عظیم الهی از تحت سلطه قرار گرفتن شیطان و گمراه شدن، توسط او محفوظ باشیم. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۹، ص ۲۸۰.

کارسازی برای رفع مشکلات:

همان طور که اشاره شد در مباحث گذشته در آیات قرآن تأکید زیادی بر این شد که مؤمنان باید فقط و فقط بر خداوند توکل نمایند و بر او تکیه کنند و خداوند نیز آن ها را تنها نخواهند گذاشت پس اگر انسان بر چنین خدایی تکیه کند که ما را یاری می کند و در سخت ترین مشکلات ناصر و یادی گر می باشد آرام خواهد شد دین یک مهارت، شناختی است شناختی مبتنی بر واقعیت ها توجه به این واقعیت که خداوند همواره با انسان است و در صورت نیاز پاسخگو و اجابت کننده است. پسندیده، رضایت از زندگی، ص ۳۱۸.

این باور نه تنها مانع فشار مضاعف می شود بلکه سبب می گردد که انسان توان مقابله بیشتری یابد به همین جهت امام علی - علیه السلام - می فرماید: « مَنْ تَوَكَّلْ لَمْ يَهْتَمَّ » آمدی، غررالحکم، حدیث ۳۸۱، ص ۲۳۳. « هرکس توکل کند اندوهگین نمی شود»

از آیات قرآن نیز فهمیده می شود که منظور از توکل، عدم احساس حقارت و ضعف در برابر مشکلات و معایب است زیرا اتکاء به قدرت بی پایان خداوند پیروزی و فتح در میدان های گوناگون را به ارمان می آورد و به این ترتیب توکل امیدآفرین است. فهمیم نیا، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، ج ۲ ص ۱۵۹.

از مجموعه ی آیات در مورد توکل دانسته شد که توکل سبب افزایش مقاومت انسان در برابر مشکلات و حوادث سخت زندگی است و انسان باید در مواجهه با این مشکلات احساس حقارت و ضعف نکند ( و تنها بر خداوند سبحان که قدرت لایزال الهی دارد تکیه نماید). مکارم شیرازی، انگیزه پیدایش مذاهب، ص ۱۴۰. حدیثی از لقمان حکیم در پند دادن به فرزندش: « يَا بُنَيَّ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ سَلْ فِي النَّاسِ مَنْ ذَا الَّذِي تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فَلَمْ يَكْفِهِ » فهمیم نیا، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، ج ۲ ص ۲۶۵. « فرزندم بر خدا توکل کن سپس از مردم بپرس، آیا کسی هست که توکل به خدا کرده و خداوند او را بی نیاز نکند و مشکل او را حل نکرده باشد. » این فضیلت اخلاقی سبب می شود انسان در برابر مشکلات دستپاچه و وحشت زده نشود و قدرت بر تصمیم گیری را حفظ کند و نزدیک ترین راه درمان و حل مشکل را بیابد.

عزت و بی نیازی از خلق:

توکل در هر جا و در هر انسانی که باشد قطعاً این ضعف بی نیازی از دیگران و عزت نیز در آنجا و در آن شخص ( گرچه به ظاهر فقیر باشد) موجود است زیرا فردی که امور و سیطره ی قدرت خداوند را می داند در برابر کسی احساس نیازمندی و ذلت نمی کند و می داند که اگر خداوند بخواهد تمامی اشیاء را موظف می کند تا خواسته ی وی را محقق سازد. پرور، سیری به سوی انسانیت، ص ۳۹.

هنگامی که نیروی کم طالوت در برابر لشکر قدرت مند و انبوه جالوت ستمگر قرار گرفت تنها چیزی که این عدم توازن را به نفع مظلومان بنی اسرائیل برهم زد و سرانجام پیروز شدند همان ایمان و توکل بر خدا بود که نشان می دهد انسان هر قدر تنها باشد اگر توکل بر خدا داشته باشد مشکلی ندارد چرا که خدا ربّ عرش عظیم است قدرتی که قدرت های ناچیز بندگان در مقابل آن اثری ندارد. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۵.

امام صادق - علیه السلام - : « إِنَّ الْغَنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أُوطِنَا » ری شهری منتخب میزان الحکمه، حدیث ۶۷۱۱ ص ۶۱۱ « بی نیازی و عزت به هر طرف می گردند و چون به جایگاه توکل دست یافتند در آن جای می گیرند » وقتی انسان فهمید غیر از ذات اقدس الهی همه محتاج اند از آنان قطع طمع می کند و دل به آنان نمی بندد و فقط به معبوس تکیه می کند و امید می بندد و لاغیر. جمال السالکین شیخ احمد بن محمد حلی، عدّه الداعی، ترجمه حسین غفاری، ص ۸۰. حضرت با ذکر این حدیث به فواید فردی و اجتماعی اقتصادی توکل اشاره و آن را باعث غنی شدن و به دست آوردن عزت و سربلندی در برابر مردم قلمداد کرده است غباری بناب، طرح تهیه و مقیاس اندازه گیری توکل بر خدا، ص ۲. در نهج البلاغه آمده است:

«اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْعَبْدِ وَ إِنِ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ، وَ اشْتَدَّتْ طَلِبَتُهُ، وَ قَوِيَتْ مَكِيدَتُهُ أَكْثَرَ مِمَّا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ، وَ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَ الْعَبْدِ فِي ضَعْفِهِ وَ قِلَّةِ حِيلَتِهِ، وَ بَيْنَ أَنْ يَبْلُغَ مَا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ. وَ الْعَارِفُ لِهَذَا الْعَامِلُ بِهِ أَعْظَمُ النَّاسِ رَاحَةً فِي مَنْفَعَتِهِ، وَ النَّارِكُ لَهُ الشَّاكُّ فِيهِ أَعْظَمُ النَّاسِ شُغْلًا فِي مَضْرَبَةٍ وَ رَبٌّ مُنْعَمٌ عَلَيْهِ مُسْتَدْرَجٌ بِالنُّعْمَى وَ رَبٌّ مُبْتَلَى مَصْنُوعٌ لَهُ بِالْبَلْوَى، فَزِدْ أَيُّهَا الْمُسْتَمِعُ فِي شُكْرِكَ، وَ قَصِّرْ مِنْ عَجَلَتِكَ، وَ قِفْ عِنْدَ مُنْتَهَى رِزْقِكَ؛

بدانید خداوند برای بنده ی خود هر چند با سیاست و سخت کوش و در طرح و نقشه نیرومند باشد بیش از آنچه در علم الهی وعده فرمود قرار نخواهد داد و میان بنده هر چند ناتوان و کم سیاست باشد و در قرآن برایش رقم زده حایلی نخواهد گذاشت هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد از همه ی مردم آسوده تر است و آن کس که واگذارد و در آن شک کند از همه ی زیان کارتر است چه بسا نعمت داده شده ای که گرفتار عذاب شود و بسا گرفتاری که در گرفتاری ساخته شده و آزمایش گردد پس ای کسی که این گرفتار را می شنوی بر شکرگزاری بیفزای و از شتاب بی جا دست بردار و به روزی رسیده قناعت کن. دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۲۷۳، ص ۶۹۷.

هم چنین امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - می فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ وَ قَنَعَ وَ رَضِيَ كُنِيَ الْمُطْلَبَ» ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۴، ص ۷۰۶۷. «هر که توکل کند و قانع و خرسند باشد خواسته هایش کارسازی شود»

نجات از شبهات:

«مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ أَضَاءَتْ لَهُ السُّبُهَاتُ» ری شهری، همان، ج ۱۴، ص ۷۰۶۲ «هر کس به خداوند توکل کند شبهات برایش روشن می شود»

امام باقر - علیه السلام - خطاب به جابر که تقاضای اندرز از امام کرد فرمودند: «به شیعیانم سلام برسان و بگو میان ما و خداوند متعال خویشاوندی نیست و تنها وسیله ی تقرب به او اطاعت است «یا جابر مَنْ هَذَا الَّذِي سَأَلَ اللَّهَ فَلَمْ يُعْطِهِ؟ أَوْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَكْفِهِ؟ أَوْ وَتَقَ بِهِ فَلَمْ يَنْجِهِ؟» «چه کسی از خدا (از روی ایمان و اخلاص) چیزی خواسته است که به او نداده است؟ یا توکل بر او کرده و کفایت امر او ننموده؟ یا به او اعتماد کرده و او را رهایی نبخشیده است» مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۷۱.

در این حدیث توکل بر خداوند و اعتماد بر ذات پاک او و دعا، به عنوان سه وسیله ی نجات و پیروزی (در برابر هر مشکلی) ذکر شده است. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۷۸.

در حدیثی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - در مورد آیه دوم سوره طلاق «... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» که فرمودند: «مِنْ سُبُهَاتِ الدُّنْيَا وَ مِنْ عَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَ شِدَائِدِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» «خداوند پرهیزگاران را از شبهات و حالات سخت مرگ رهایی می بخشد» مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۳۶.

قوت و شجاعت:

امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - : «أصلُ قُوَّةِ الْقَلْبِ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ» محدث، فهرست غرر، شماره ۳۰۸۲، ص ۴۱۸. «ریشه قوت قلب توکل بر خداست» و هم چنین در حدیثی دیگر است: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۴۰. «کسی که به خاطر نیرومندترین مردم شدن خوشحال است باید که بر خداوند توکل کند»

یکی از مهم ترین آثار توکل شجاعت است زیرا همیشه کسانی که برای خود پشتوانه ای محکم انتخاب می کنند شجاع بوده و کوچک ترین سستی و تزلزل در خود نمی یابند توکل ظلمت ترس را از روح و جان انسان برطرف می کند و روحیه شجاعت و پایداری در برابر حوادث و سختی ها را تقویت می کند. ن. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۷۲.

### آثار آخروی

جلب محبت الهی:

ای احمد - صلی الله علیه و آله - محبت من برای افرادی است که یکدیگر را برای من درست دارند و افرادی که برای رضای من از یکدیگر جدا می شوند و محبت من سبب و غایت و نهایتی ندارد. از منظر قرآن کریم یکی از آثار و فوایدی که درباره ی توکل بر خداوند نصیب شخص متوکل می شود این است که او محبوب خداوند قرار می گیرد و خدا او را دوست می دارد چون ذات اقدس الهی محب و محبوب خود را رها نمی کند و آثار هر محبوب به دست محب او ظهور می کند و خداوند خود امور متوکلان خود را کفایت فرموده است و در شادانگی و سختی ها به فریادش می رسد چه بزرگ است مقامی که دارنده ی آن محب خداوند و مشمول کفایت او باشد. شبر، اخلاق شبر، ص ۴۲۲. در سایه توکل بر خداوند گرفتاری و مشکلات آسان می شود البته این نکته را باید در نظر داشت که در میدان توکل بر خداوند، چه بسا انسان به آن چیزی که می خواهد نرسد ولی نباید این بینش برایش پیدا شود که توکل کارساز نبوده یا کاری که از نظر خودش به صلاح اوست از خدا بخواهد و برای به نتیجه رسیدن توکل کند ولی در واقع به صلاحش نباشد و خداوندی که از تمام نیازمندی های انسان ها و بندگان خود آگاه است می داند این کار به صلاح و نفع بنده اش نیست پس نباید فکر کند خداوند او را دوست ندارد و به خواسته اش نرساند چون توکل کننده محبوب خداست خواه به نتیجه برسد یا نرسد. قرآتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۲۸۲.

اینکه خداوند می فرماید متوکلین را دوست دارد به خاطر آن است که آن ها به خداوند و اوصاف او معرفت دارند و امرشان را به او تفویض نموده اند خداوند هم آنان را به خیر و صلاح هدایت کرده و خواسته های آنان را برآورده خواهد کرد تا شامل محبت او شده باشند هرچند ممکن است بعضی موارد کارها برخلاف میل و خواسته ی انسان انجام بگیرد ولی خداوند آنان را یاری خواهد کرد و نصرت و پیروزی در زمینه های مختلف را نصیب آنان می گرداند و آنان را به راه

آثار توکل در آئینه قرآن و روایات



اصلاح و رستگاری هدایت می فرماید. محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۴۳. تلاش ها در این دنیا باعث تفاوت در بهره گیری ها و (طلب محبت الهی) است در کارهای آخرت نیز همین اصل کاملاً حاکم است. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۶۶

دخول در بهشت:

« یدخل الجنة من التمس سبعون ألفاً بغير حساب، هم الذين لا یسترفون ولا یتطیرون و علی ربهم یتوکلون »

این حدیث از پیامبر - صلی الله علیه و آله - روایت شده است: که در شرح این حدیث آمده است که پروردگار به من وعده داده که هفتاد هزار از امتم را بدون محاسبه و عذاب به بهشت وارد کند که چهره ی آنان مانند شب چهاردهم خواهد درخشید همه آن ها همدل و هم نوا هستند من از پروردگارم خواهان عنایت بیشتر شدم پروردگار همراه با هر یک از هفتاد هزار، هفتاد هزار دیگر را برای من پذیرفتند.

پیامبر - صلی الله علیه و آله - می گویند: دیدم و به من نشان دادند که بعضی از پیامبران همراه امت خود هستند نگاهم به جمعیت زیادی افتاد گفتم: ای جبرئیل این ها امت من هستند. گفت خیر؟ اما به سمت افق نگاه کردم، نگاهم به جمعیت بسیار زیادی افتاد که فضا را پر کرده بود جبرئیل گفت: این ها امت تو هستند و این هفتاد هزار نفر که در جلوی آن ها قرار دارند این ها از هر غذایی و حسابی دور هستند هیچ گونه غذایی برای آن ها نیست. گفتم چرا؟ جبرئیل گفت: این ها کسانی هستند که با خواندن افسون مریض معالجه نمی کنند و به بدشگون بودن اشیا معتقد نیستند و این ها فقط بر پروردگارشان توکل دارند.

آثار توکل در زندگی فردی و اجتماعی نمایان است همان طور که در زندگی پیامبران پیشین نیز نمایان بوده است و همگی با توکل بر خداوند توانستند در برابر دشمنان پیروز گردند چون توکل بر خداوند مطلق است و محدود به مرحله ای از زندگی و فعالیت نمی شود بلکه در تمام مراحل زندگی باید توکل بر خداوند وجود داشته باشد این فضیلتی است که در بن بست ها کارساز عجیبی است و می تواند مشکلات را حل نماید.

## نتیجه

در این تحقیق، آثار توکل بر خداوند با تکیه بر آیات و روایات و رویدادهای تاریخی مهم در دو بخش آثار دنیوی و اخروی مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که توکل اگر در معنای صحیح خود مورد استفاده قرار گیرد زندگی مادی و معنوی انسان را تحت الشعاع قرار می دهد و امور مختلف زندگی انسان سامان می یابد.



### منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه سجادیه.

آثار توکل در آئینه قرآن و روایات

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، تاريخ نشر ۱۳۷۴.
۲. انصاری، عبدالله، مقامات معنوی، چاپ دوازدهم، انتشارات دارالحدیث، بی تا.
۳. بندر ریگی، فرهنگ جدید عربی، فارسی، (ترجمه منجدالطلاب)، بی جا، بی تا.
۴. بهشتی، سیدمحمد، توکل از دیدگاه قرآن، اصفهان، مسجد امام علی ع، بی تا.
۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ سوم، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۷.
۶. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، تهران، کتابخانه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۴.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالاحکم و دررالکلم، قم، دارالکتب اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۸. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵ش.
۹. حلّی، شیخ احمدبن محمد، عدّه الداعی، ترجمه حسین غفاری، قم، بی نا، بی تا.
۱۰. خوانساری، جمال الدین، شرح غررالاحکم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۱. دستغیب، سید عبدالحسین، توکل و نقش آن در اجتماع، اصفهان، نشر جوادیه نیرو، بی تا.
۱۲. رازی، ابوالفتح، تفسیر روح الجنان، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۲۹۸.
۱۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن (ترجمه خسروی، غلامرضا)، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۲.
۱۴. سبزواری، محمدبن محمد، جامع الاخبار، تهران، نشر کتاب، ۱۳۸۲ق.
۱۵. سعادت پرور، علی، سیری به سوی انسانیت، انتشارات حکمت، ۱۳۷۰.
۱۶. شبر، عبدالله، اخلاق شبر، چاپ ششم، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۸۰..
۱۷. شجاعی، محمدصادق، توکل بر خدا، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، بی تا.
۱۸. شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی یا دایرة المعارف قرآن مجید، تهران، بی نا، بی تا.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، بی جا، بی تا.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه رضا ستوده، چاپ اول، بی جا، بی تا.
۲۱. طوسی، نصیرالدین، اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران، بی نا، ۱۳۵۶.
۲۲. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان، چاپ سوم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۶ش.
۲۳. عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکرة الاولیاء، تهران، انتشارات پیمان، ۱۳۷۷.
۲۴. فهیم نیا، محمدحسین، مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی در قرآن، انتشارات بوستان کتاب قم، بی تا.
۲۵. فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ چهارم، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۷.
۲۷. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، انتشارات دارالکتب اسلامیة، ۱۳۵۴.



۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، انتشارات اسوه، بی تا.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۴۴.
۳۰. محلاتی، ذبیح الله، مجالس الواعظین، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۳.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، انتشارات دارالحدیث، بی تا.
۳۲. مدرسی، محمدتقی، تفسیر هدایت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۳۳. مصطفوی، سید حسن، مصباح الشریعه، تهران، انتشارات انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ی ایران، بی تا.
۳۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، انتشارات بهزاد، بی تا.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، انگیزه پیدایش مذاهب، چاپ دوم، قم، انتشارات هدف، بی تا.
۳۶. .... و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۷. موسوی خمینی، سیدروح الله، شرح چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.



دو فصلنامه تخصصی نور المصطفی\_ شماره ۱۱ - پاییز و زمستان ۹۹

